

خانواده؛ سد انحرافات

خانواده به عنوان اولین و مهم ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در شکل گیری شخصیت افراد و بسط و گسترش جامعه ایفا می کند. دین نیز به عنوان یک نظام اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر روابط خانوادگی شناخته می شود.



حجت الاسلام والمسلمین محمدباقر مشکاتی
کارشناس دینی و استاد حوزه

ابعاد نقش دین در تحکیم خانواده

ارائه چارچوب ارزشی و اخلاقی، دین با ارائه مجموعه ای از ارزش ها و هنجارهای اخلاقی، به اعضای خانواده جهت گیری درست و توحیدی می دهد و به آن ها کمک می کند تا در تصمیم گیری ها و تعاملات خود، معیارهای مشخص و منطقی داشته باشند. این چارچوب ارزشی، به ویژه در مواقع بحران و اختلاف، می تواند به منزله یک ميثاق و راهنمای مشترک عمل کند.

تأکید بر اهمیت خانواده، در بیشتر ادیان آسمانی به ویژه دین مبین اسلام، خانواده یک نهاد مقدس و مورد احترام، معرفی شده است. این تأکید، باعث می شود که اعضای خانواده احساس مسئولیت بیشتری در برابر یکدیگر داشته باشند و برای حفظ و تقویت روابط خانوادگی تلاش مضاعف کنند. تأکید بر تعهد و وفاداری؛ آموزه های دینی به اعضای خانواده یادآوری می کند که تعهد و وفاداری به یکدیگر، از اصول اساسی زندگی سالم و مستحکم خانوادگی است. این امر، به ویژه در روابط زناشویی، از اهمیت فراوان برخوردار است.

ترویج فضایل اخلاقی؛ دین، فضایل اخلاقی مانند مهربانی، بخشش و گذشت، صبر، تحمل، صداقت و امانت داری را ترویج می دهد. این فضایل، به بهبود روابط خانوادگی و ایجاد فضای صمیمی تر کمک می کنند.

ارائه راهکارهای حل تعارض؛ ادیان الهی، راهکارهایی برای حل تعارض ها و اختلاف های خانوادگی پیشنهاد می دهند؛ به عنوان مثال در اسلام، مفاهیمی مانند مشورت، گذشت و عفو و بخشش، ابزارهایی برای حل اختلاف معرفی شده اند.

ایجاد امید و معنویت؛ دین به افراد، امید و معنویت می دهد و به آن ها کمک می کند با مشکلات و سختی های زندگی روبه رو شوند. این امید و معنویت، می تواند به رشد و تعالی و تقویت روحیه اعضای خانواده و بهبود روابط بین آن ها کمک کند.

تأکید بر تربیت دینی فرزندان؛ دین به والدین یادآوری می کند که تربیت صحیح و دینی فرزندان، از وظایف مهم آن هاست. تربیت دینی، به فرزندان کمک می کند تا شخصیت سالمی پیدا کنند و در آینده، اعضای مفید و مؤثری برای جامعه باشند.

تصریح قرآن به تحکیم بنیان خانواده

در قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۱ آمده است: «و از نشانه های قدرت او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید در میان شما مودت و رحمت قرار داد. در این (نعمت) برای گروهی که اندیشه می کنند، نشانه های (روشن) است». خداوند متعال در این آیه مبارک، تشکیل خانواده را یکی از نشانه های قدرت خود دانسته و بر اهمیت آرامش، مودت و رحمت در روابط همسرانه تأکید کرده است. این مفاهیم، پایه های اصلی یک خانواده سالم و پایدار هستند و دین اسلام با تأکید بر آن ها، به تقویت روابط خانوادگی کمک می کند.

تکمیل نیمی از دین با تشکیل خانواده

حدیث شریفی از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که اهمیت بسیار زیاد موضوع ازدواج و تشکیل خانواده از منظر «دین داری» و «دین مداری» را نشان می دهد: «هرکه ازدواج کند، نصف دین خود را تکمیل کرده است، پس باید در نصف دیگر آن، از خدا بترسد». تشکیل خانواده باعث می شود فرد به تعهدات دینی خود بیشتر پایبند باشد و در مسیر رشد معنوی قرار گیرد؛ چرا که بخش بزرگی از زمینه های به گناه افتادن انسان، باز ازدواج و تشکیل خانواده از بین می رود. نصف دیگر دین که در این حدیث اشاره شده است، به معنای رعایت تقوای الهی و پرهیزکاری در دیگر عرصه هاست؛ فردی که ازدواج می کند، باید علاوه بر مسئولیت های خانوادگی، به وظایف دینی خود نیز عمل و با تقوای الهی زندگی کند و خود را علاوه بر گناهان جنسی، از دیگر گناهان نیز بازدارد. به طور خلاصه طبق آموزه های قرآنی و حدیثی، نهاد دین به ویژه دین جامع اسلام، با ارائه چارچوب و نظام ارزشی، تقویت پیوندهای خانوادگی، ترویج فضایل اخلاقی و پیشنهاد راهکارهای حل تعارض در خانواده، نقش مهمی در تحکیم بنیان خانواده ایفا می کند؛ البته تأثیر دین بر خانواده، به عوامل مختلفی چون نوع دین و میزان پایبندی به آن، تفسیر و فهم دین و شیوه اجرای آموزه های دینی در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز بستگی دارد.

عدالت امام جماعت

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۲۲۸ یا ما در میان بگذارید.

پرسش: سلام. یکی از شرایط امام جماعت، داشتن عدالت است. نماز جماعت در صورت نشناختن امام چه حکمی دارد؟ آیا همین که امام جماعت روحانی باشد و افراد پشت سرش ظاهرالصلاح باشند، کافی است؟ اگر فردی با این شرایط اقتدا کند، نمازش صحیح است یا باید قضا کند؟

پاسخ اجمالی: یکی از شرایط امام جماعت، این است که عادل باشد و این عدالت در امام جماعت، باید احراز و اثبات شود. «عدالت»، یک حالت خداترسی باطنی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار گناه صغیره باز می دارد و همین اندازه که با کسی معاشرت داشته باشیم و در ظاهر گناهی از او نبینیم، نشانه وجود عدالت است و این را احسن ظاهره که حاکی از ملکه باطن است، می گویند. ملاک و میزان برای اثبات عدالت و جواز اقتدا، حصول اطمینان به وجود آن (عدالت) در امام جماعت است؛ هر چند از راه اقتدای دیگران به دست آید. از این رو برخی فقها در این باره چند راه، برای اثبات عدالت، بیان کرده اند: شهادت دو عادل بر عدالت فرد، در صورتی که با شهادت دو عادل دیگر، بر فاسق بودن آن فرد، معارض نباشد. عده ای که عدالتشان معلوم نیست، بگویند فلان شخص عادل است و انسان از این گفته به اطمینان برسد. دو- یا حتی یک- عادل یا عده ای که عدالتشان معلوم نیست، به فردی اقتدا کنند و انسان از این امر به اطمینان برسد. البته، به طور کلی، از هر راهی که اطمینان پیدا شود، کافی است؛ به شرط آنکه اطمینان کننده، اهل فهم و شناخت باشد و مسائل شرعی را بداند.

آیت...العظمی خامنه ای: اگر عدالت او نزد ما مأموم به هر طریقی ثابت باشد، (برای احراز عدالت، حسن ظاهر، کافی است) اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.

آیت...العظمی مکارم شیرازی: در صورتی که جمعی از افراد ظاهرالصلاح به او اقتدا کرده اند، کافی است.

آیت...العظمی شبیری زنجانی: اگر احتمال می دهید که عادل باشد، می توانید رجای اقتدا کنید. چنانچه بعد از نماز به طریقی اطمینان به عدالت حاصل شد، ولو با حسن ظاهر که از دیگران که با وی معاشرت دارند، بپرسند و ایشان بگویند از وی خلاف شرعی سراغ نداریم، به آن نماز اکتفا می شود، والا نماز خوانده شده باید اعاده شود.

آیت...العظمی صافی گلپایگانی: چنانچه از اقتدای افراد ظاهرالصلاح اطمینان به عدالت پیدا کند، کافی است.

آیت...العظمی نوری همدانی: یا باید مکلف خودش اطمینان به عدالت امام داشته باشد یا اینکه از اقتدای عده ای از مؤمنان، اطمینان به عدالت امام برایش پیدا شود؛ در غیر این صورت اگر عدالت امام محرز نباشد، اقتدای به وی صحیح نیست.

بررسی راه های جذب فرزندان به دین و عبادت

بچه ها را به عبادت مجبور نکنیم!

آمنه مستقیم! نه فقط روان شناسی مدرن و آکادمیک امروز بلکه آموزه های دینی هم خانواده را منشأ و دلیل آفرینش و رشد یا نابودی برخی خصایص و رفتارها در افراد می دانند. به تعبیر ساده تر، این خانواده است که در تعیین علاقه مندی ها و راه ورسم زندگی، اصلی ترین نقش را ایفا می کند. وقتی پای دین و جذب فرزندان به آموزه های آن به میان می آید، اهمیت این نقش آفرینی دو چندان می شود. در این باره با حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی واعظ موسوی، مشاور خانواده، استاد حوزه و دانشگاه و کارشناس مذهبی، گفت وگو کرده ایم.

گرایش انسان به نور هدایت

نهادینه کردن تمایل و عمل به عبادات در فضای خانواده، باید با ظرافت انجام شود. وقتی پدر و مادر نزد فرزندان مقبولیت داشته باشند، اعمال عبادی آن ها چه واجب و چه مستحب در بچه ها اثر مثبت می گذارد و بچه ها به اندازه استعداد و ظرفیت و جودی خود به عبادات تمایل می یابند و آن را انجام می دهند و دیگر نیازی به تکرار و سفارش دائم در این باره نیست. زیست شناسان می گویند گیاه و گل به سمت نور رشد می کند. وقتی برای گیاه این طور تدبیر شده است که به سمت بالا برود، ماکه اشرف مخلوقات هستیم، قطعاً نرم افزار و جودی مان به سمت بالا و مقصد متعالی، مطرحی شده است.

اکراه و اجبار ممنوع!

آنچه ما همیشه خانواده ها را از آن پرهیز می دهیم، این است که انجام واجبات و مستحبات عبادات دینی توسط بچه ها نباید با حالت اکراه و اجبار باشد. وقتی پدر و مادر و خانواده، فرزند را اجبار یا به تعبیر قرآن اکراه می کنند، موفقیت و حاصلی در آن عمل نیست. اگر بخواهیم فرهنگ عبادت و نیایش در خانواده ترویج و نهادینه شود، لازمه اش آن است که در آن اجبار و اکراه نباشد. تکرار یک عمل و تحمیل عبادات به ویژه مستحبات به اعضای خانواده، اثر منفی و نتیجه عکس دارد.

رفتارهایی که بچه ها را از دین زده می کند

پدر و مادری که به دلیل سوء رفتار و خشونت و بد اخلاقی در نگاه بچه ها منفور هستند، وقتی نماز می خوانند و عبادت می کنند، در فرزندان اثر نمی کند و الگو بخش نیست، حتی نماز و عبادتشان در چشم بچه ها منفور هم می شود! اما اگر والدین برای بچه ها مقبول و محبوب باشند، اعمال عبادی شان نیز جذاب می شود. بارها در اخبار شنیده ایم که آمریکا داعش را درست کرد تا چهره ای خشن از اسلام نشان دهد و جلوی اسلام گرایی را بگیرد، وقتی آمریکا می خواهد با داعش از دین، چهره ای کریه و خشن نشان دهد، پدر و مادر خشن هم هر قدر اهل عبادت و طاعت باشند، در بچه ها اثر نمی کند و پس زده می شوند.

بچه ها را با محبت جذب عبادت کنیم

پدر و مادری که با خشونت و بد رفتاری بچه ها را به دین فرامی خوانند، فقط باعث فراری شدن آن ها از دین و گرایش نیافتنشان به عبادت می شوند و آن ها را دل زده می کنند. گرایش نینی مبتنی بر حب است و هر چه مهرورانه تر عمل کنیم، قطعاً گرایش بچه ها به دین و مذهب و انجام واجبات و مستحبات به ویژه در فرصت هایی مثل ماه رجب و مناسبت های آن، بیشتر می شود و با عبادت مانوس می شوند.

مدافعان حرم

خروجی خانواده های موفق

اگر می بینیم در این رقابت، فضای مجازی موفق می شود و خانواده عقب می افتد، به دلیل ضعف پدر و مادر و فقدان مهارت های پر جاذبه در آن هاست. اگر پدر و مادر با گفتار و رفتار خود محبوبیتشان را از بین نبرند، هیچ جاذبه ای با آن ها توان رقابت نخواهد داشت، چنان که در همین دنیای پر غوغا چه بسیار چهره های درخشان که در فضای خانواده به مسیر های متعالی دین هدایت شده اند، چهره هایی همچون شهید محسن حججی و آن ها که در علم و دانش پیشرفت کرده اند. این ها محصول و خروجی نهاد خانواده هستند، چنان که شهید حججی برای رفتن به سوریه، پای مادر را بوسید و اجازه گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین

واعظ موسوی،

وقتی دامن پرمهر خانواده گسترانده شود، شخصیت های بزرگ شکل می گیرند و در جامعه اثرگذار می شوند

روشنا

امام جعفر صادق^(ع)
لَا يَصْلِحُ شَرَاءَ الشَّرِيفَةِ وَالْخِيَانَةُ إِذَا عُرِفَتْ.

کسی که مال سرقت و غصبی را شناخت، دیگر حق خرید آن را ندارد.
(تهذیب، ج ۷، ص ۱۳).

گاهی خدا سخت تربیت مان می کند

از دروازه های مختلف وارد شوید؛ هر چند من نمی توانم قضای خدا را از شما دور کنم.
و توکل کرد به خدا: وَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن بَابَ وَاجِدٍ وَادِّ خُلُوعًا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أَغْنَى عَنْكُمْ مِنَ الْإِلَهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (یوسف، ۶۷).
پسران همان کاری را کردند که پدر خواسته بود؛ هر چند به گفته پدر، چیزی را که خدا می خواست، او نمی توانست از آن ها دور کند. یعقوب^(ع) فقط می خواست نیازی در دلش را برآورده کند. او خیلی چیزها می دانست که علمش را پروردگار به او داده بود و مردم نمی دانستند؛

سمانه رضوانی! وقتی به بعضی اتفاق های عمرمان نگاه می کنیم، می بینیم شبیه یک جور چین است و هر کدام به حکمتی از خدا می رسیم. گاهی فکر می کنیم خدا این پازل را چیده است تا غرور مرا بشکند یا مثلاً شکر بادم بدهد و تقریباً نوب همه آن ها رد پای تربیت خدا پیدا است. انگار می خواهد به ما بگوید: «بنده جان! من تو را بلدم و راه هدایت و تربیت تو هم دست من است». اما گاهی ته پازل هایی که خدا چیده است، لبخند می زنیم و گاهی هم برایمان گران تمام می شود. یعقوب^(ع) که راضی شد، فقط یک توصیه کرد، آن هم این بود:

شنیدنی

قصه قرآنی: یوسف ۱۶

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مَيْلًا.. مِنْ شَيْءٍ إِلَّا خَاجَهُ فِي نَفْسِهِ يَقُولُ قَضَاهُ وَأَنَّهُ لَدُوْهُمْ عَلِيمًا لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (یوسف، ۶۸).

آن ها دوباره پیش عزیز مصر رفتند، چشم یوسف^(ع) به بنیامین افتاد گل از گلش شکفت، برادری اش را از او پنهان نکرد و بنیامین را کنار خودش نشاند و به او دلگرمی داد و گفت از کارهایی که برادرانتان کردند، ناراحت نباش؛
وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (یوسف، ۶۹).
یوسف^(ع)، بنیامین را دید اما اینجا آخر جورچین تربیتی خدا برای برادرانش نبود.